

کتاب دانیال - شماره هشتاد و هفت

رازگشایی از تمثیل ده باکره: سفری عمیق در تاریخ ادونتیسم

Jeff Pippenger

2024-02-20

مثل ده باکره تجربه ادونتیست‌ها را نشان می‌دهد.

"مثل ده دوشیزه در متی ۲۵، تجربه قوم ادونتیست را نیز نشان می‌دهد." مناقشه بزرگ، ۳۹۳.

ادونتیست‌های پیرو میلر آن مثل را مو به مو به تحقق رساندند.

"اغلب توجه من به مثل ده باکره جلب می‌شود؛ پنج تن از آنان خردمند بودند و پنج تن نادان. این مثل مو به مو تحقق یافته و خواهد یافت، زیرا برای این زمان کاربردی ویژه دارد و، همچون پیام فرشته سوم، تحقق یافته و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود." Review and Herald، ۱۹ اوت ۱۸۹۰.

تاریخ جنبش فرشته اول نمایانگر جنبش فرشته سوم است و کانون نهایی این مثل این است که آیا دوشیزگان روغن را، که همان پیام باران پسین است، در اختیار دارند یا نه.

جهانی در شرارت، در فریب و گمراهی، در خود سابه مرگ آرمیده است—خفته، خفته، چه کسانی رنج جان می‌کشند تا آنان را بیدار کنند؟ کدام صدا می‌تواند به آنان برسد؟ اندیشه‌ام به آینده می‌رود، هنگامی که علامت داده خواهد شد: «اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید.» اما برخی در تهیه روغن لازم برای پر کردن چراغ‌هایشان درنگ خواهند کرد، و دیر هنگام خواهند فهمید که منشی که آن روغن نمایانگر آن است، قابل انتقال نیست. آن روغن پارسایی مسیح است. آن نمایانگر منش است، و منش قابل انتقال نیست. هیچ‌کس نمی‌تواند آن را برای دیگری تأمین کند. هر کس باید برای خود منشی پالوده از هر لکه گناه به دست آورد. Bible Echo، 4 مه 1896.

«روغن» در این مثل نمایانگر «منش» است و نیز «عدالت مسیح». منش تقدیس شده را تنها کسانی پدید می‌آورند که کلام خدا را می‌خورند.

ایشان را در راستی تو تقدیس کن؛ کلام تو راستی است. یوحنا ۱۷:۱۷

«روغن» همچنین پیام‌های روح خداست.

وقتی پیام‌هایی را که او برای ما می‌فرستد دریافت نکنیم، نام خدا بی‌حرمت می‌گردد. بدین سان، روغن زربین را که می‌خواهد در جان‌های ما بریزد تا به کسانی که در تاریکی‌اند رسانده شود، رد می‌کنیم. Review and Herald، ژوئیه ۱۸۹۷.

«روغن» همان پیام‌های کلام خداست که حضور تقدیس‌بخش پارسایی مسیح را منتقل می‌کنند. در مثل ده باکره، که همچنین نبوت باب دوم حقیق است، پیام «فریاد نیمه‌شب»، که همان پیام پارسایی مسیح است، همان است که در پیام جونز و واگنر در شورش ۱۸۸۸ نمایان شد.

خداوند در رحمت عظیم خود، از طریق مشایخ واگنر و جونز، پیامی بسیار گران‌بها برای قوم خود فرستاد. هدف این پیام آن بود که نجات‌دهنده برافراشته، یعنی قربانی گناهان تمامی جهان، را برجسته‌تر پیش چشم جهان قرار دهد. این پیام، عادل‌شمرده شدن از راه ایمان به ضامن را ارائه می‌داد؛ و مردم را دعوت می‌کرد تا عدالت مسیح را بپذیرند، عدالتی که در اطاعت از تمام

فرمان‌های خدا آشکار می‌گردد. بسیاری عیسی را از نظر از دست داده بودند. چشمانشان می‌بایست به سوی شخص الهی او، شایستگی‌های او، و محبت تغییرناپذیرش نسبت به خانواده بشری متوجه شود. تمام قدرت به دستان او سپرده شده است تا به انسان‌ها عطایای فراوان ببخشد و عطیه بی‌قیمت عدالت خود را به انسان ناتوان ارزانی دارد. این همان پیامی است که خدا فرمان داد به جهان اعلام شود. این پیام فرشته سوم است که باید با صدای بلند اعلام شود و با افاضه فراوان روح او همراه باشد. شهادت برای خادمان، 91.

پیام، پیام باران پسین است.

باران پسین بر قوم خدا خواهد بارید. فرشته‌ای نیرومند از آسمان فرود خواهد آمد، و سراسر زمین با جلال او روشن خواهد شد. 21، Review and Herald، آوریل ۱۸۹۱.

وقتی فرشته نیرومند در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرود آمد، باران پسین شروع به باریدن نم‌نم کرد و تاریخ پیروان میلر، چنان‌که در مثل ده باکره و فصل دوم حبقوق بازنمایی شده است، تکرارش آغاز شد. در همان هنگام بود که قوم روزهای آخر خدا کتابی را که در دست فرشته بود خوردند و بدین‌سان به راه‌های دیرین ارمیا بازگردانده شدند و بدین ترتیب به نگرهبانانی بدل شدند که باید شیپور هشدار را به صدا درآورند. آن هشدار شیپور همان پیام لاودیکه بود که اشعیا آن را به صورت فریادی بلند بازنموده است.

با صدای بلند فریاد بزن، دریغ مکن؛ صدایت را چون شیپور بلند کن، و به قوم من تقصیرشان و به خاندان یعقوب گناهانشان را اعلام کن. اشعیا ۱: ۵۸.

جنبش اصلاحی فرشته اول و فرشته سوم در «زمان انتها» آغاز می‌شود. در آن مقطع «افزایشی در دانش» رخ می‌دهد که نسل زنده آن زمان را خواهد آزمود، اما تنها پس از آنکه این دانش به صورت پیامی رسمی منتشر شود. سپس، آن پیام رسمی «قوت می‌یابد»، و این قوت یافتن با فرود آمدن فرشته‌ای مشخص می‌شود. فرود آن فرشته مناظره حبقوق را آشکار می‌سازد و دو گروه پدید می‌آیند که پیامی را یا به عنوان پیام حقیقی باران آخر یا نسخه جعلی آن شناسایی می‌کنند. سپس وفاداران به دیده‌بانان خدا بدل می‌شوند که آغاز به دمیدن در کرنای هشدار می‌کنند.

پیام حقیقی شیپور بر نوری استوار است که در دو لوح حبقوق بازنمایی شده است. این همان هشدار به لاودیکه است، و هشدار که گناهان قوم خدا را مشخص می‌سازد. جدال تا نخستین نومیدی بالا می‌گیرد؛ آنگاه یک دسته به «مجمع استهزاکنندگان» تبدیل می‌شود، و دیده‌بانان حقیقی فراخوانده می‌شوند تا به غیرتی که نسبت به پیام پیش از آن نومیدی از خود نشان داده بودند بازگردند. وقتی دیده‌بانان بازگشتند، دریافتند که در «زمان درنگ» هستند، و اینکه پیامی که ناکام مانده بود، در واقع قرار است تحقق یابد، اما مطابق نظم خدا. آن پیام در دوره‌ای کوتاه (اما به هر حال دوره‌ای از زمان) بسط یافت، و هنگامی که پیام فرا می‌رسد، به عنوان پیام «فریاد نیمه‌شب» بازنمایی می‌شود؛ که چیزی جز شدت یافتن همان پیامی نیست که وقتی فرشته فرود آمد، آغاز به قدرت گرفتن کرده بود.

با رسیدن پیام، جدایی میان کسانی که در هنگام نزول فرشته مقام دیدبانان را پذیرفته بودند و کسانی که نپذیرفتند، به طور کامل تحقق یافت. آن جدایی نقطه‌ای را مشخص می‌کند که در آن مهر بر صد و چهل و چهار هزار نفر نهاده می‌شود، پیش از ریزش باران پسین، بی‌آنکه «اندازه‌گیری» ای که بر باران پسینی که با نزول فرشته آغاز شد قرار داده شده بود، بر آن قرار گیرد.

تاریخ پیروان میلر نمونه‌ای از باران پسین در هنگام مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر است. در آن تاریخ، بحث حبقوق بر پایه پیام راستین باران پسین و پیام کاذب باران پسین بود. پولس یک گروه را کسانی معرفی می‌کند که محبت حقیقت دارند، و گروه دیگر را کسانی که به سبب نداشتن محبت

حقیقت، گمراهی نیرومند را می‌پذیرند، زیرا «دروغ» را باور کرده‌اند.

جنبش میلری نمایانگر پیشرفتی در حقیقت است که از «وقت پایان» آغاز می‌شود و در معرفت و قدرت رو به فزونی می‌گذارد و تا افاضه روح‌القدس در «فریاد نیمه‌شب» ادامه می‌یابد. جنبش میلری برخی نشان‌های راه مشخص را که با یکدیگر متناظرند شناسایی کرد؛ از جمله «وقت پایان»، «رسمیت یافتن» پیام که با «افزایش دانش» نمایان می‌شود، «قدرت‌گیری» پیام که با فرود آمدن فرشته‌ای مشخص می‌گردد، «ناکامی نخستین» که مثل ده باکره را معرفی می‌کند، افاضه روح‌القدس که به صورت «فریاد نیمه‌شب» نمایان می‌شود، و سپس «ناکامی دوم» نهایی که در آن در یک دوره از تدبیر الهی «بسته» و در دوره‌ای دیگر «گشوده» می‌گردد.

خدا برای پیام‌های مکاشفه ۱۴ در خط نبوت جایگاهی مقرر کرده است و کار آنان تا پایان تاریخ این زمین متوقف نخواهد شد. پیام‌های فرشته نخست و دوم هنوز برای این زمان حقیقت‌اند و باید همگام با پیامی که در پی می‌آید پیش بروند. فرشته سوم هشدار خود را با صدای بلند اعلام می‌کند. «پس از اینها»، یوحنا گفت، «دیدم فرشته دیگری با قدرتی عظیم از آسمان فرود می‌آید، و زمین از جلال او روشن شد.» در این روشنایی، نور هر سه پیام در هم آمیخته است. مواد ۱۸۸۸، ۸۰۴.

جنبش میلری، که نمونه‌ای از جنبش‌های صد و چهل و چهار هزار نفر به شمار می‌آید، با نبوت‌های دو هزار و سیصد ساله و دو هزار و پانصد و بیست ساله باب هشتم دانیال، آیات سیزده و چهارده، گره خورده بود. «زمان پایان» با خاتمه «هفت زمان» خشم خدا بر پادشاهی شمالی اسرائیل فرا رسید. رسمی شدن پیام میلر در سال ۱۸۳۱، دویست و بیست سال پس از انتشار ترجمه کینگ جیمز کتاب مقدس فرا رسید.

«آقای میلر، مانند کسانی که در کشورهای دیگر به واسطه این پیام به حرکت درآمدند، در آغاز بر آن بود که رسالت خود را با نوشتن و انتشار در جراید عمومی و در جزوه‌ها به انجام رساند. او نخستین بار دیدگاه‌هایش را در ورمونت تلگراف، روزنامه‌ای باپتیست که در براندون ورمونت چاپ می‌شد، منتشر کرد. این در سال ۱۸۳۱ بود.» جان لافبورو، جنبش عظیم ظهور دوم، ص ۱۲۰.

جنبش «زمان پایان» فرشته سوم در سال ۱۹۸۹ فرا رسید، در پایان صد و بیست و شش سال از شورش سال ۱۸۶۳. «صد و بیست و شش» نمادی از «هفت زمان» است. هر دو جنبش با تحقق «هفت زمان» آغاز شدند.

پیام جنبش فرشته سوم در سال ۱۹۹۶ رسمیت یافت، با تولید مجموعه‌ای از مقالات با عنوان «زمان پایان» که در مجله‌ای به نام «بنیاد محکم ما» منتشر شده بود. آن مقالات دویست و بیست سال پس از اعلامیه استقلال در سال ۱۷۷۶ منتشر شدند. پیام هر دو جنبش، دویست و بیست سال پس از تاریخی رسمیت یافت که به طور مستقیم با پیامی پیوند داشت که در پایان آن دویست و بیست سال فرا رسید.

عدد «دویست و بیست» نمایانگر ارتباط (یک پیوند) میان «هفت زمان» خشم خدا بر پادشاهی جنوبی یهودا - که در ۶۷۷ پیش از میلاد آغاز شد - و آغاز دوره دوهزار و سیصد ساله باب هشتم کتاب دانیال، آیه چهاردهم، در ۴۵۷ پیش از میلاد است. عدد دویست و بیست این دو نبوت را به هم پیوند می‌دهد، و این دو نبوت در آیات بنیادین ادونتیسیم، یعنی باب هشتم کتاب دانیال، آیات سیزده و چهارده، کنار هم ارائه شده‌اند. در آن آیات، مسیح به گونه‌ای نبوی خود را به عنوان «آن قدیس معین» معرفی کرد؛ که ترجمه‌ای از واژه عبری «پلمونی» است و به معنای «شمارنده شگرف» است.

شمارنده شگفت‌انگیز دو رؤیا را که نمایانگر دو خط نبوت‌اند، در همان دو آیه‌ای معرفی می‌کند که خواهر وایت آنها را ستون مرکزی ادونتیسیم می‌شناسد. نقطه آغاز با پیوند نمادین دویست‌وبیست ساله به زمان تحقق آنها در سال ۱۸۴۴ متصل می‌شود. کتاب حبقوق، فصل دوم، با آیه بیستم به پایان می‌رسد و بدین سان عدد «دویست‌وبیست» را به شکلی دیگر، به بیان شمارنده شگفت‌انگیز، نشان می‌دهد؛ زیرا آن آیه یک ویژگی اصلی روز کفاره ضدنمونه را که در همان تاریخ آغاز شد، معرفی می‌کند.

اما خداوند در هیکل مقدس خود است: تمام زمین در حضور او خاموش باشد. حبقوق ۲:۲۰.

دو دوره نبوی که نمایانگر ستون اصلی ادونتیسیم‌اند و مستقیماً توسط شمارنده شگفت‌انگیز معرفی شده‌اند، با فاصله دویست و بیست سال به یکدیگر پیوند خورده‌اند؛ و عیسی (شمارنده شگفت‌انگیز)، که همواره پایان هر چیز را با آغاز آن یکی می‌گیرد، پایان آنها را در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ با عدد دویست و بیست نشان‌گذاری کرد.

جنبش فرشته اول، همانند جنبش فرشته سوم، در «زمان پایان» (به ترتیب ۱۷۹۸ و ۱۹۸۹) آغاز شد، جایی که «هفت زمان» در لاویان بیست‌وشش شناسایی می‌شود. نشان‌راه بعدی در هر دو تاریخ با به پایان رسیدن دوره‌ای دویست و بیست ساله مشخص می‌شود؛ این نیز ویژگی نبوی «هفت زمان» است، زیرا نقاط آغاز آن دو رؤیا (chazon و mareh) نمایانگر دوره‌ای دویست و بیست ساله‌اند که آنها را به هم پیوند می‌دهد.

انتشار کتاب مقدس کینگ جیمز در سال ۱۶۱۱، رسمی‌سازی پیام میلر طبق آنچه در روزنامه «ورمونت تلگراف» منتشر شد، تنظیم اعلامیه استقلال، و انتشار «زمان پایان» در مجله «Firm Foundation» همگی آثار منتشرشده بودند. آغاز و پایان هر دو دوره دویست‌وبیست‌ساله، نمایانگر یک انتشار به‌عنوان نشانه راه تاریخی هستند. عدد «دویست‌وبیست» نماد پیوندی نبوی است، و هر چهار اثر منتشرشده، هم به سبب ماهیت انتشارشان، و هم به واسطه پیامی که در تاریخ‌های مربوط به خود با عنوان «افزایش دانش» نمود یافته است، به یکدیگر پیوند خورده‌اند.

کتاب مقدس در سال ۱۶۱۱ نمایانگر ابلاغ انجیل از بارگاه‌های آسمانی به بشریت است. پیام میلر در چارچوب نبوت‌های زمانی قرار داشت و دو جدول مقدس حبقوق به روشنی نشان می‌دهند که پیام میلر به صورت تصویری با خطوط تاریخ ترسیم شده بود. «ورمونت» به معنای «کوه سبز» است و بنا بر الهام، «سبز» نماد ایمان است.

این خواب به من امید داد. ریسمان سبز در ذهن من نماد ایمان بود و زیبایی و سادگی توکل بر خدا بر جانم آشکار شدن گرفت. تجربه و تعالیم مسیحی، ۲۸.

پیام میلر رسمیت یافت و از سوی کلیسای وفادار اعلام شد، زیرا «کوه» در روزهای آخر «کلیسا» است.

و در ایام آخر چنین خواهد شد که کوه خانه خداوند بر قله کوه‌ها استوار خواهد شد و از تپه‌ها بلندتر خواهد گردید؛ و همه قوم‌ها به سوی آن سرازیر خواهند شد. و بسیاری از مردم خواهند رفت و خواهند گفت: بیایید تا به کوه خداوند، به خانه خدای یعقوب، بالا رویم؛ و او راه‌های خود را به ما خواهد آموخت و ما در مسیرهای او گام خواهیم زد؛ زیرا از صهیون شریعت صادر خواهد شد و کلام خداوند از اورشلیم. اشعیا ۲:۳، ۳.

پیام آزمون‌گر رسمی‌شده میلر از کلیسای وفادار برخاست، و نشریه‌ای به نام «تلگراف»، همان‌گونه که «کتاب مقدس کینگ جیمز» چنین بود، نمایانگر پیامی از آسمان است؛ زیرا واژه «تلگراف» که از دو واژه یونانی ساخته شده، به معنای پیامی از دور دست است. واژه نخست (tele) به معنای «دور یا

دوردست» است و واژه دوم (grapho) به معنای «نوشتن یا ثبت کردن». در کنار هم به معنای «نوشتن یا مخابره کردن از فاصله» هستند. در سال ۱۶۱۱، خدا از طریق تدوین «کتاب مقدس کینگ جیمز» پیام خود را از آسمان مخابره کرد، و در پایان دویست و بیست سال، پیام میلر، که نخستین بار در سال ۱۸۳۱ در «تلگراف ورمونت» رسمیت یافت، نیز پیام خدا را از آسمان مخابره کرد. آن پیام همان «افزایش دانش» بود که در «زمان پایان» در سال ۱۷۹۸ گشوده شد و سپس روندی سه مرحله‌ای آزمون برای آن نسل پدید آورد. آن تاریخ، الگوی تاریخ «America» for America بود.

اعلامیه استقلال در سال ۱۷۷۶، نمایانگر آغاز وحش زمین مکاشفه سیزده است. این آغاز ایالات متحده را نشان می‌دهد و بدین ترتیب محدود شدن استقلال در پایان ایالات متحده را مشخص می‌کند. پیام «آینده برای آمریکا» (همان‌طور که از نامش برمی‌آید)، پایانی را مشخص می‌کند که در آغاز، با انتشار اعلامیه استقلال، نمونه‌وار شده است. دویست و بیست سال بعد، در سال ۱۹۹۶، خدمتی که مجله «زمان پایان» را منتشر کرده بود، شخصیت حقوقی‌ای را که پیش‌تر «آینده برای آمریکا» نامیده شده بود، دریافت کرد. در همان سال، مجله «زمان پایان»، که از مقاله‌هایی تشکیل شده بود که پیش‌تر در نشریه‌ای به نام «بنیاد استوار ما» به چاپ رسیده بودند، به چاپ رسید.

نام خدمت «آینده برای آمریکا» به تاریخ انتشار اعلامیه استقلال اشاره می‌کند، زیرا انتشار آن سند نشانگر آغاز ایالات متحده بود و عیسی همواره پایان را با آغاز به تصویر می‌کشد. عنوان آن نشریه «زمان پایان» است؛ که هم به «زمان پایان» در ۱۹۸۹ اشاره دارد و هم به پایان مهلت فیض، زمانی که میکائیل برمی‌خیزد. پیام مدون در آن نشریه (دانیال فصل یازدهم، آیات ۴۰ تا ۴۵) با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۸۹ (زمان پایان) مهرگشایی شد، و آیاتی که مهرشان گشوده شد، توالی‌ای تاریخی را ارائه می‌کنند که از ۱۹۸۹ پیش می‌رود تا آیه نخست فصل دوازدهم، که در آن درخواست میکائیل و بسته شدن مهلت فیض بشر مشخص می‌شود.

فاصله میان انتشار «اعلامیه استقلال» در سال ۱۷۷۶ تا انتشار مجله «زمان پایان» برابر با دویست و بیست سال است، و آغاز و انجام هر دو به همان موضوعات نبوی می‌پردازند. انتشار «زمان پایان» از فصل‌هایی گردآوری شده است که نخست به صورت مقاله در نشریه «بنیاد استوار ما» منتشر شده بودند و بیانگر این حقیقت نبوی است که بدون پابندی به حقایق بنیادین جنبش میلریتی (که همان «بنیاد استوار ما» است)، فهم «افزایش دانش» در «زمان پایان» در سال ۱۹۸۹ امکان‌پذیر نیست.

نشانه راه موسوم به «زمان پایان»، و نشانه راه نمایانگر «رسمی شدن» پیام در تاریخ‌های موازی جنبش‌های فرشته اول و سوم، هر دو عناصر نبوی «هفت زمان» لایوان بیست و شش را در خود دارند. نشانه راه بعدی در تاریخ‌های موازی، قدرت یافتن پیام است که با نزول فرشته مکاشفه فصل ده در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، یا فرشته مکاشفه فصل هجده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مشخص می‌شود. تحقق وای دوم، مکاشفه فصل نه، سبب نزول فرشته مکاشفه فصل ده شد، و تحقق وای سوم مکاشفه فصل ده، سبب نزول فرشته مکاشفه فصل هجده شد.

در تاریخ‌های موازی، باران پسین در همان هنگامی که فرشته فرود می‌آید، آغاز به «پاشیدن» می‌کند. در آن هنگام، پیام با تأیید رویداد پیشگویی شده «قوت می‌گیرد». برای پیروان میلر، این رخداد پایان یافتن برتری عثمانی بود در تحقق پیشگویی زمانی اسلام درباره «وای دوم» در کتاب مکاشفه، باب نهم، آیه پانزده. برای جنبش یکصد و چهل و چهار هزار نفر، آن «خشمگین شدن ملت‌ها» بود؛ پیشگویی‌ای درباره اسلام در «وای سوم» که در زمان شیوور هفتم است، در مکاشفه، باب ده، آیه هفت، که هنگامی تحقق یافت که ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک فرو ریختند.

هر یک از نشانه‌های راه اصلی تاریخ‌های موازی پیوندی مستقیم با کار «شمارنده شگفت‌انگیز» دارند؛ کسی که امضای خود را بر رابطه دو رؤیا می‌نهد که به ترتیب نمایانگر دو هزار و سیصد سال و دو

هزار و پانصد و بیست سال‌اند. نگهبانان نبوی که در هنگام فرود فرشته برپا می‌شوند، شیپور هشداری را می‌نوازند که پیام خطاب به لاودیکه را نیز در بر دارد؛ پیامی که در سال ۱۸۵۶، به برداشته شدن مهر نور بزرگ‌تر «هفت زمان» به‌طور مستقیم پیوند داشت. نشانه راه «دو لوح حقوق»، که با نمودارهای پیشگامان ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ نمایانده شده و هر دو «هفت زمان» را به‌صورت تصویری نشان می‌دهند، در هر تاریخ موازی میان فرود فرشته و «نخستین نومییدی» پدیدار شد.

نشانه راه «زمان تأخیر» به‌طور مستقیم به پیشگویی ناموفق سال 1843 پیوند دارد؛ که پیشگویی تحقق هم دو هزار و سیصد سال و هم دو هزار و پانصد و بیست سال بود. پیام «فریاد نیمه‌شب» شناسایی تحقق قریب‌الوقوع آن دو دوره زمانی نبوی بود. "در" تدبیری بسته در آخرین نشانه راه، تحقق آن دو دوره نبوی را مشخص می‌کند و نشان می‌دهد که از کجا شیپور هفتم یا شیپور یوبیل آغاز به نواختن می‌کند. هر نشانه راه در هر تاریخ به‌طور مستقیم به «هفت زمان» پیوند دارد، و «هفت زمان» ریسمانی است که آن دو تاریخ را به هم پیوند می‌دهد، و هر دو تاریخ نمایانگر پیام باران پسین‌اند.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«پرای کسانی که به کلام می‌لغزند، زیرا نافرمان‌اند»، مسیح سنگ لغزش است. اما «سنگی که بنایان نپذیرفتند، همان سر زاویه شده است.» مانند آن سنگ مردود، مسیح در مأموریت زمینی خود بی‌اعتنایی و آزار را تحمل کرده بود. او «خوار و از جانب مردم مردود بود؛ مرد دردها و آشنا با اندوه... او خوار شمرده شد و ما او را به حساب نیاوردیم.» اشعیا ۵۳:۳. اما زمان نزدیک بود که او جلال یابد. به‌واسطه رستخیز از مردگان، او «پسر خدا با قدرت» اعلام خواهد شد. رومیان ۱:۴. در بازگشت دوم او، به‌عنوان خداوند آسمان و زمین آشکار خواهد شد. کسانی که اکنون در شرف مصلوب کردن او بودند، عظمتش را خواهند شناخت. در برابر سراسر جهان، آن سنگ مردود سر زاویه خواهد شد.

و «هر که آن بر او فرو افتد، او را خرد خواهد کرد.» مردمی که مسیح را رد کردند، به‌زودی قرار بود نابودی شهر و ملت خود را ببینند. جلالشان درهم می‌شکست و چون غبار پیش باد پراکنده می‌شد. و چه چیزی بود که یهودیان را نابود کرد؟ همان صخره‌ای بود که اگر بر آن بنا می‌کردند، مایه امنیتشان می‌شد. همان نیکویی خدا که خوار شمرده شد، همان عدالت که رانده شد، همان رحمت که ناچیز انگاشته شد. آدمیان خود را در مخالفت با خدا قرار دادند، و هر آنچه می‌توانست نجاتشان باشد، به تباهی‌شان بدل شد. هرآنچه خدا برای حیات مقرر کرده بود، برای آنان به مرگ انجامید. در مصلوب کردن مسیح به دست یهودیان، نابودی اورشلیم نهفته بود. آن خون ریخته‌شده بر جلجتا، همان سنگینی بود که آنان را، هم در این جهان و هم در جهان آینده، به ورطه هلاکت فرو برد. همین‌گونه خواهد بود در آن روز بزرگ انجامین، هنگامی که داوری بر ردکنندگان فیض خدا فرود آید. مسیح، سنگ لغزش ایشان، آنگاه در نظرشان همچون کوهی انتقام‌گیر جلوه خواهد کرد. جلال چهره او که برای پارسایان حیات است، برای شیران آتشی سوزان خواهد بود. به سبب محبتی که رد شد و فیضی که خوار شمرده شد، گناهکار هلاک خواهد شد.

عیسی با تمثیل‌های بسیار و هشدارهای پیاپی نشان داد که رد پسر خدا چه پیامدی برای یهودیان خواهد داشت. با این سخنان، او خطاب به همه کسانی که در هر عصر سخن می‌گفت که از پذیرفتن او به‌عنوان نجات‌دهنده خود سر باز می‌زنند. هر هشدار برای آنان است. معبد بی‌حرمت‌شده، پسر نافرمان، زارعان دروغین و بنایان تحقیرگر، در تجربه هر گناهکار نظیر دارند. اگر توبه نکنند، سرنوشت شومی که آنان از پیش نشان داده بودند، از آن او خواهد شد. اشتیاق اعصار، ۵۹۹، ۶۰۰.